

در صفحات بعد میخوانید :

■ ناراضی توشی، خطری است برای انقلاب

صفحه ۴- ستون اول

■ هشدار امام

واقعیتی است بر اساس اطلاعات دقیق بدست آمده

صفحه ۲- ستون سوم

■ دیپلماسی مخفی، مغایر باخواست مردم و مصالح انقلاب است

صفحه ۶- ستون اول

■ مبارزه باگرانی، کاری است حیاتی...

صفحه ۶- ستون اول

■ تلاش برای برهم زدن وحدت سندیکالی توطئه‌ای است ضد کارگری

صفحه ۳- ستون دوم

■ از اوج لاله‌ها

شمری از برزین آذر مهر

صفحه ۶- ستون آخر

مردم

ازگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال اول شماره ۲۹
چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

اصل، داشتن يك قانون اساسی مترقی است نه شكل تصویب آن

چه چیز بهتر است: يك مجلس موسسان با شرکت عده محدودی از نمایندگان انتخابی که در مدت کوتاهی پیشنهادها و اصلاحاتی که ضمن نظر خواهی بیان میگردد، بررسی کنند و سپس با مراجعه براء عمومی قانون اساسی را به تصویب نهائی برسانند، یا يك بحث منصل و طولانی و چه بسا بی سرانجام در مجلس موسسانی که چند برابر عضو داشته و بر تردید مدت کارش از یکسال و شاید دوسال هم در خواهد گذشت؟

چه چیز بهتر است: تسریع در امر تدوین و تصویب يك قانون اساسی خلقي و متكي بر اراده مردم یا كس دادن مسئله و انقلاب را فاقد نهادهای قانونی و مستحکم و دائمی گذاشتن و امکان عمل جدي و استوار را از آن سلب کردن؟

بنظر ما، پاسخ قاطعانه اینست که: شق نخست بهتر است. بنظر ما، در حال حاضر مهم و عمده اینست که ایران پس از انقلاب، دارای يك قانون اساسی مترقی باشد، که هرچه بیشتر و کاملتر نظریات و آرزوها و خواستهای خلق انقلابی ما را بیان نماید و بازتاب همه آن امیال و امیدهای باشد که سال ۵۷ برای تاریخ ما بارمغان آورد. بنظر ما، اصل و عمده آنست که در خاتمه، در نهایت امر، ما چه قانون اساسی خواهیم داشت مترقی یا ارتجاعی، دربر گیرنده اساسی ترین خواستهای مردم زحمتکش و نیازهای امر استقلال و آزادی، یا باز گذارنده راه رسوخ امپریالیسم و سرمایه خارجی و وابسته و ناقض استقلال و آزادی.

مسئله اصلی این است، نه شكل مجلس موسسان و عده نمایندگان و مدت کار آن. چه بسا از مجلس ۷۵ نفری، قانون اساسی خوبی، حتی کاملتر و جامعتر از همین پیش نویس که در خطوط عمده خود نیز سندی مترقی و گامی مثبت و امید بخش است، درآید و با رفراندوم، تا سه ماه دیگر، ما دارای قانون اساسی تصویب شده و شالوده‌های محکم جمهوری بشویم و کار انتخابات مجلس شورا و تشکیل دولت دائمی را برانجام مطلوب برسانیم و نهادهای لازم را برای استوار کردن بنیان جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت آن بسوی مدارج کمال، بنا بخواست خلق زحمتکش، بنا بر اراده خلق قهرمان، بوجود آوریم. و چه بسا که از بقیه در صفحه ۳

اهمیت تاریخی دستاوردهای انقلاب ایران

در ارزیابی انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران دو برخورد نادرست به چشم می خورد: عده‌ای با غرق شدن در مسائل جزئی و فرعی، کوچک کردن واقفیت‌های بزرگ و بزرگ کردن واقفیت‌های کوچک، خوش باوری ساده لوحانه و گاه زیر-کاله نسبت به اکاذیب و شایعات و بی اعتمادی عنودانه نسبت به حقایق و واقفیات - خلاصه با نادیده گرفتن جوانب مثبت و تاکید بر جوانب منفی اقدامات و تدابیری که پس از انقلاب انجام گرفته، میکوشند دستاوردهای انقلاب را ناقص کنند و یا ناچیز جلوه دهند. بقیه در صفحه ۴



امضای پیمان سالت ۲ گامی بزرگ در راه استقرار صلح

لئونید ایلیچ برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جیمی کارتر رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، روز دو شنبه (در ساعت ۱۵ به وقت تهران) پس از نود دقیقه گفت و گو، که فقط دو نفر مترجم در آن مشارکت داشتند دومین پیمان محدودیت سلاحهای استراتژیک (سالت ۲) را که گفت و گوی دو کشور در باره آن شش سال بطول انجامید، امضاء کردند.

صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در سخنرانی خود اعلام کرد: «امضای پیمان سالت ۲ گامی مهم در جهت بهبود روابط شوروی و امریکای میانه‌ای است.» لئونید برژنف همچنین گفت: «امضای این پیمان روی دادی است که مردم اتحاد شوروی و امریکا از سالها پیش انتظار آن را داشتند.»

سه وی متذکر شد که «امضای پیمان سالت ۲ راه را برای اعمال نظارت بیشتر بر تسلیحات اتمی دو کشور هموار می‌سازد.» رئیس جمهور امریکا در سخنرانی خود خطاب به صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی گفت: «ما کودکانی داریم که می‌خواهیم زندگی کنند و زندگی صلح آمیزی داشته باشند. ما هر دو مجذوبانه میکوشیم تا به کودکان خود و ملت‌های خود این امنیت را ببخشیم.»

کارتز همچنین اعلام کرد: «امضای پیمان سالت ۲ يك پیروزی برای سراسر جهان در راه پیکار برای صلح بشمار می‌رود.»

خبرگزاری تاس در تفسیری که به امضای پیمان سالت ۲ اختصاص داد نوشت: «تکمیل موفقیت آمیز پیمان سالت ۲ راهگشای گفت و گو درباره سالت ۳ و تعدیل تسلیحات دو کشور خواهد بود.» خبرگزاری شوروی سپس تصریح کرد که پیمان سالت ۲، حدود لازم را برای پیشرفت سریعتر سایر اقدامات مربوط به تجدید بقیه در صفحه ۴

داریوش فروهر در جلسه اعلام جدائی از جبهه ملی گفت:

کوشش برای اتحاد بزرگ آغاز شده است!

■ ایران دستخوش توطئه‌های گوناگون امپریالیستها است

آقای داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی و دبیر حزب ملت ایران، که سمت سخنگوی جبهه ملی را نیز بعهده داشت، با اعلام اینکه حرکت‌های جبهه ملی ایران در رابطه با دوران سازندگی انقلاب فرصت طلبانه است، از جبهه ملی کناره گیری کرد.

وی همچنین اعلام داشت که از لحاظ سازمانی در این جبهه تلاش‌های خرابکارانه‌ای پیکار می‌رود که جبهه ملی راضی به برخورد شخصیت‌ها و باندهای گوناگون بر سر کسب قدرت کرده است. آقای فروهر در مصاحبه‌ای که بهمین منظور ترتیب یافته بود، گفت: «زمان تصمیم گیری قاطع فرا رسیده است و بهمین دلیل من و حزب ملت ایران از امروز همکاری خود را با سازمانی که عنوان جبهه ملی داد، ولی کارهای سیاسی و شکل سازمانی آن در خور این نام افتخار آمیز نیست، قطع می‌کنیم. فروهر همچنین تاکید کرد که، «پدید آوردن يك اتحاد بزرگ برای استمرار انقلاب اسلامی ضرورتی است تاریخی و

بقیه در صفحه ۴

استفاده از جلا د ساواک

برای تبلیغات علیه حزب توده ایران

تهرانی، جلا د خونخوار ساواک، که سالیان دراز نامش بازجو و شکنجه، با خون و اعدام آمیخته بود، سرانجام در دادگاه انقلاب حاضر شد، تا هم به خلق پاسخ دهد که چگونه در کشتارگاه کمیته، رزمندگان انقلابی را به «آپولو» می‌بست، تنهای شریفشان را می‌سوزاند، ناخنهایشان را میکشید و سرانجام آنها را به جوخه اعدام می‌سپرد، و هم پاسخ خلق را بشنود. این پاسخ، بیگمان مرمک است.

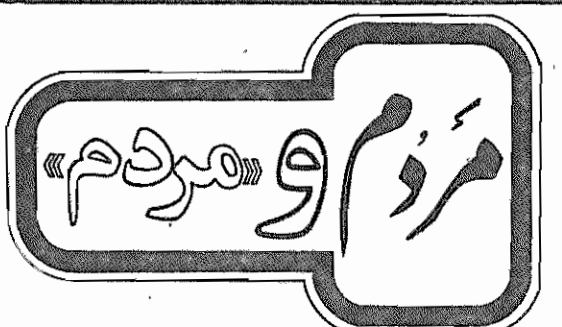
رزمندگان که در سالهای گذشته، گذارشان به کشتارگاه‌های شامخائن، بویژه «اوین» و «کمیته» می‌افتاد، میدانستند که ساواک دو کارشناس کارکنته دارد: تهرانی و منوچهری. منوچهری متخصص قتل و شکنجه مبارزان منحنی بود و آنقدر در این زمینه استادی داشت که به تنهایی آرشیه همه گروه‌های مبارز مسلمان بود. او عین وضع تهرانی را در مورد کمیونست‌ها داشت. آن یکی استاد شکنجه و اعدام مسلمانان بود و این یکی متخصص زجر و قتل مبارزان کمیونست. هر چند این دو استاد شکنجه، از کمک یکدیگر هم دریغ نداشتند. در دایره «کمیته»، تهرانی، منوچهری، رسولی و عضدی، سر جلا د ساواک، سالیان دراز این تخصص را بکار بستند و اکنون که انقلاب خونین توده‌ها، یکی از آنها، یعنی تهرانی را به دادگاه انقلاب آورده، استفاده از تخصص ادامه دارد، البته به شکل دیگری.

تهرانی که در دادگاه رذیلاته مدعی است، کار خود را تمام شده میدانند و باین جهت دفاعی ندارد و میخواهد حقایق گذشته را روشن کند، همه نیروهای چپ، از ماثوئیست‌های خائن گرفته تا توده‌ای‌ها و فدائیان قهرمان را در کنار هم، بنام کمیونست، دسته بندی میکند و رندانه میکوشد، هم حساب خیانت‌های ماثوئیست‌ها را به پای همه کمیونست‌ها بنویسد، هم فدائیان قهرمانی را که

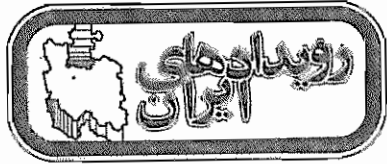
تسلیم جلا د ساواک نشدند، لودهنده تشکیلات سياهک معرفی کند. جلا د ساواک، که چندی پیش در نامه‌ای به مقامات مسئول به گمان خودش مارکسیست‌ها را دشمن انقلاب اسلامی معرفی کرده و خواستار شده بود که، از «تنصم»، او برای مبارزه با مارکسیست‌ها استفاده شود، دردم مرمک هم دست از فعالیت‌های خائنه خود بر نمیدارد و میکوشد مبارزات مارکسیست‌ها را بی اهمیت نشان داده، آنها را آلت دست ساواک معرفی کند. جلا د ساواک بشیرمانه از ماثوئیست‌های خائنی که بلافاصله تسلیم شدند، سخن میکویند، اما از صدها مبارز قهرمان کمیونست، از مبارزان توده‌ای، فدائی و مجاهد، که زیر شکنجه شهید شدند و لب از لب باز نکردند، حرفی به میان نمی‌آورد.

از جلا د ساواک، از درنده خوئی که هر یاخته تنش مهر شهادت و شکنجه قهرمانی را بر خود دارد، پیش از این انتظار نمیرود. در واقع چنین سخنان رذیلاته‌ای از زبان او طبعی است. اما آنچه نه تنها طبعی نیست، بسیار هم گفتم انگیز است، استفاده از سخنان جلا د ساواک برای تبلیغات ضد توده‌ای است. آنها که دانسته و ندانسته، همه حر به‌های تبلیغات علیه حزب توده ایران را آزموده‌اند، با اعتراضات تهرانی بقیه در صفحه ۴

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



هشدار امام خمینی واقعیتی است بر اساس اطلاعات دقیق بدست آمده



در حالیکه خبرهایی نگران کننده از فعالیت عمل رژیم شاه مخلوع و تمرکز آنها در اسرائیل میرسد، در تهران و برخی شهرها حمله مسلحانه به پاسداران انقلاب افزایش یافته است. بسیاری از این حملات و هجومها سازمان یافته است و هدف ترور پاسدارانی است که از قبل شناسائی شده‌اند، گفته میشود که برخی از این پاسداران بدلیل پیگیری‌شان در دستگیری و شناسائی عمل رژیم سابق و ایمانشان به انقلاب ایران هدف توطئه قرار گرفته و به شهادت رسیده‌اند.

همزمان با این عملیات در درون ایران، دانشجویان مسلمان آمریکا فاش کرده‌اند که ۹ هزار ساواکی با هواپیماهای نظامی آمریکا وارد قاهره شده‌اند تا با همکاری سازمان جاسوسی مصر و موساد اسرائیل علیه انقلاب ایران توطئه کنند. روزنامه مردم، در سه شماره قبل، برای نخستین بار پرده از این توطئه برداشت و اعلام کرد که پرویز ثابتی عملیات مربوط به تعلیم این مزدوران را برای ایجاد زمینه جنگ داخلی در ایران بعهده دارد و مقر او اسرائیل است. روزنامه السفیر از قول همین دانشجویان فاش کرد که شاه مخلوع و شاپور بختیار و انورسادات در کار رهبری عملیات سرکوبی انقلاب ایران و بازگشت به گذشته دست دارند و ساواکی‌ها هم اکنون در خلیج فارس سرگرم دیدن آموزشهای ویژه هستند و مقر آنها جزیره

صیبره است. در این زمینه سازمان جاسوسی سیا و سازمان جاسوسی موساد اسرائیل طرحی برای از میان بردن شخصیت‌های برجسته انقلاب ایران دارند. این روزنامه متذکر میشود که سازمانهای جاسوسی انگلیس نیز در این مورد همکاری نزدیک با ساواکی‌ها و گردانندگان عملیات ضد انقلابی دارند.

امام خمینی در هشدار اخیر خود، که بمناسبت اظهارات پاره‌ای محافل درباره مجلس موسسان ایراد داشت، بدستی ویا آگاهی بهمین فعل وانفعالات ضد انقلابی اعلام داشت که، نباید گذاشت ریشه‌های گندیده، که در خارج از کشور فعالیت میکنند با این ریشه‌های پوسیده داخل کشور بهم پیوند بخورند و علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه کنند. هرگونه تأخیر در تصویب قانون اساسی ایران عملاً آب به آسیاب همین ضد انقلابیون میریزد.

روز جمعه همه ما در محیطی پر هیجان، خاطره پروریز حکمت‌جو را گرامی داشتیم و در روزهای قبل و بعد از آن، پست، نامه‌هایی را در همین مضمون آورد. گروهی که نامه خود را «هواداران حزب توده ایران در سمنان» امضا کرده‌اند، از جمله مینویسند:

«رژیم ضد بشری محمدرضا پهلوی باردیگر دست‌ترا بخون یک انسان طراز نوین دیگر، یک انترناسیونالیست، یک توده‌ای، پرویز حکمت‌جو آغشته کرد... مبارزه و اصولیت و اخلاق انقلابی رزمندگان حزب توده ایران، یکی است. بدون شک حزبی که میتواند فرزندان چون روزبه‌ها، بشری‌ها، سیامک‌ها و حکمت‌جوها بیوراند، از یک منبع سرشار از بشردوستی و مین‌پرستی برخوردار است... ما افتخار میکنیم که حتی در آن هنگام که افعای درخشان پهلوی صحیح و بگیرانه حزب طبقه کارگر مینمان، در میان آنبوهی از حوادث روزمره مهم مینموده، قاطعانه و با ایمانی راسخ در راه پرافتخارش، راه حکمت-جوها، گام گذاشتیم، ما تردید نداریم که آن نیرویی که این قهرمانان خلق را در شکنجه‌گاههای شاه خونخوار توان میبخشید، اینک راه گشای همه نیروهای صادقی است که... در یک جبهه، با تکیه بر خلق و دست در دست هم، روبه دشمن جبار، امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم کرده و مین خود را مستقل و آزاد و آباد خواهند ساخت.

نامه‌ایکه با مضای عده‌ای از کارکنان پیشروی صنعت نفت جنوب، نوشته شده، چنین آغاز میشود: «حکمت‌جو ستاره‌ای بود در آسمان پرستاره حزب توده ایران و مبارزی بود که همراه تمامی شهدای خلق راه گشای قیام مردم و اضمحلال رژیم مزدور پهلوی شد. و این ارمغان خلق است که با قیام خود، تجلیل از حکمت‌جو هارا امکان پذیر ساخت. در نامه، اتحاد تمامی نیرو-های مترقی آرزو شده است.

* در همین باره قطعه شعر کوتاهی دریافت کرده‌ایم از زبان حکمت‌جو، خطاب بفرزندانش بجزاد و یکتا:

بجزاد دلاورم / یکتای شیرینم / لذتی است بزرگ بوسه پدر بر چهره فرزند / و من محروم از این لذت. / بگذار خودم را بدست توانای خیال بسپارم / تا آنطور که خاطر خواه اوست / لبان تیزه از اشتیاقم را / بر چهره‌هایتان گذارد.

* دوست کوچک ما اصلانی، دانش آموز کلاس چهارم، مینویسد: «سلام دوستان عزیز، امیدوارم در کارتان موفق باشید. حزب توده ایران، همیشه پیروز است، چون در راه خلق خود مبارزه میکند...»

* در یک مکالمه تلفنی، دوستی گفت: «راجع به جواب به سنجایی، خیلی ممنون، دوستان درد نکنند، و دوست دیگری یاد-آوری کرد که اشتباهات جدی چایی هنوز فراوان است، منجمله در شماره پیش، در صفحه سوم ستر درم، مقاله «اربابان امیر-سیاست شاه مخلوع» بجای انجام نگرفته است، نوشته شده «انجام گرفته است»، که بکلی متضاداً بخبرش و تحریف میکند و تصحیح آن لازمت، حق با اوست، متشکریم.

* دوست دیگری بنام محمود، در نامه خود مینویسد: «در شماره ۲۲ روزنامه «مردم» به آقای دکتر سنجایی پاسخ مناسب داده شده بود که بیشتر بزندگی سیاسی ایشان مربوط بود. و کاملاً هم مورد تأیید، دوست ما

برای ما نامه و مطلب نفرستند.

خدمات بهداشتی و درمانی باید زیر نظارت دولت قرار گیرد

در چند روز گذشته سمنان برای بررسی مسائل مربوط به طب، درشراز تشکیل شد. در این سمنان سخنرانان مشکلات و مسائل مختلف را در رابطه با طب در ایران بیان داشتند که امید است از مرحله حرف فراتی رود و پاره‌ای از طرحها و پیشنهادهایی که می‌تواند در خدمت زحمتکشان باشد، به مرحله عمل درآید. همین مسائل و طرحها میتواند بطور منطقی و در جهت منافع توده‌های مردم در پیش نویس قانون اساسی ایران نیز گنجانده شود برای همیشه جهت عمده حل این مشکل مشخص گردد. در این سمنان در

قطنامه آن بدستی گفته شده است که خدمات بهداشتی و درمانی باید در تمام مملکت تحت یک نظام واحد، وزیر نظارت دولت اداره شود و طب خصوصی هیچ‌عنوان صورتی نباید وجود داشته باشد، اعم از مطب، بیمارستان و آزمایشگاه. در این زمینه از رادیو و تلویزیون یاری خواسته شده است تا دست به افشاکاری بزند و از زان عمومی را روشن سازد. ما نیز تأکید میکنیم که سیستم متکی به سرمایه و سود در کار درمان و آموزش و پرورش مردم، مانند دیگر خدمات عمومی، باید از بین برود.

طرح مساله مالکیت دولت بر صنایع بزرگ بدهکار به بانک‌های ملی شده

بر اساس اخباری که در روزنامه‌ها منتشر شده و منبع آن یک مقام صنعتی است، در پی دخالت دولت در مدیریت چند واحد بزرگ صنعتی، در محافل اقتصادی گفته میشود که دولت مطالبات و بررسی‌های گسترده‌ای را در زمینه امکان به مالکیت در آوردن صنایع بزرگ بدهکار به بانکهای ملی شده، به ویژه صنایع اتومبیل سازی و فولادسازی، را شروع کرده است. همین مقام درباره سایر کارخانه‌های اتومبیل سازی گفته است که تاکنون دولت دخالتی در مدیریت کارخانه‌های شورت ایران و ژیران نکرده، ولی این واحدها نیز به علت کمبود لوازم بدکی و قطعات منفرجه اتومبیل با اشکال روبرو هستند و نمی‌توانند در حد تأمین نیازهای کشور فعالیت خود را ادامه دهند. از سوی

دیگر در حال حاضر اغلب مدیران کارخانه‌های اتومبیل سازی، به علت سوءاستفاده در دوران قبل از انقلاب، به خارج از کشور رفته‌اند و نیز اغلب کارخانه‌ها بدهی قابل توجهی به بانکهای ملی شده دارند، که پیش‌بینی میشود بزودی دولت مالکیت خود را در واحدهای بدهکار اعمال کند. ما ضمن تأیید این طرح، همچنان که بارها اعلام داشته‌ایم، دولت مهیا است تمام صنایع و کارخانه‌های وابسته و صادر را ملی اعلام کند و در دست خود بگیرد. فقط از این طریق است که میتوان تمام ریشه‌های وابستگی به امپریالیسم را قطع کرد و گامهای اساسی در راه تأمین منافع حقه زحمتکشان برداشت.

«باز بر سینه دیوار نویسند بر آه...»

گزارشگر ما از گیلان خبر میدهد که، زحمتکشان این استان وفادار به سنتهای انقلابی پدران خود، پیش از پیش بسوی حزب توده ایران روی می‌آورند و مبلغ اندیشه‌ها و برنامه آن می‌شوند. جراید و کتابهای توده‌ای نیز بیش از پیش در شهرها و روستاهای گیلان فروش میرسد. یک رویداد جالب از شهرک ضیاء، در فاصله ۲۰ دقیقه‌ای از جاده اصلی صومعه سرا و از قهوه‌خانه‌ای که در کنار رودخانه‌ای قرار دارد، قهوه خانه حیاطی در پشت و چند میز و صندلی در سایه درختان دارد، که قسمت تاستانی آنست. بر روی دیوار سیمانی قهوه‌خانه، کنار رودخانه، شمار زیر نوشته شده است: درود بر حزب توده ایران - حزب ستمکشان، درود بر حزب طبقه کارگر ایران.

کوشش برای ...

بقیه از صفحه ۱

به همین دلیل حزب ملت ایران به یاری چند شخصیت ملی و دیگر سازمان‌هایی که در برداشتهای سیاسی از شرایط کنونی جامعه ایرانی هماهنگی کامل دارند، کوشش‌هایی برای دست یافتن به این اتحاد بزرگ آغاز کرده است.

بنظر من بقای همکاری با سازمان کنونی جبهه ملی نه تنها در زمینه گسترش وحدت و بوجود آوردن یک پایگاه برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب ملت ایران نبود، بلکه مبارزه انحصار پیدا میکرد به گروهی دوست و دارای روابط خصوصی، که آنها هم در رابطه مستقیم از طریق یک گروه اجتماعی با توده مردم نبوده‌اند و در نتیجه شناخت واقعی از جوشی که در درون جبهه وجود دارد، نداشتند و ناگزیر سیاستهای فرصت طلبانه در برابر انقلاب گرفتند.

داریوش فروهر درباره گروههای چپ گفت: «تا آنجا که من بررسی کرده‌ام در ایران چپ یک دست وجود ندارد. دسته‌های گوناگون هستند که از نظر سیاسی روشن‌متین و هماهنگ بسا جریان کلی نهفت گرفته‌اند. از طرف دیگر دسته‌هایی هستند که حالت اخلاک‌گراانه بخود گرفته‌اند.»

فروهر سپس گفت: «مهمین ما هم اکنون دستخوش توطئه‌های گوناگون امپریالیستهای جهانخوار و باقیمانده ارتجاع داخلی است و انحصارطلبی‌ها و اخلاک‌گرایی از دو سو آینده ایران را تهدید میکند.»

فروهر در پاسخ خبرنگار مردم، که درباره «راههای عملی برای هماهنگ کردن و متحد کردن نیروهای انقلابی، پرسیده بود، گفت: «منظور من از اتحاد، اتحاد کلیه نیروهای است که خود را پیرو مصدق میدانند، و افزود: «البته با همه نیروها بشرط حسن نیت می‌توان اتحاد عمل داشت.»

بازگشت صاحبان صنایع

دکتر اسداله مبشری، وزیر دادگستری، در سخنان خود از نظریه بورژوازی لیبرال مبنی بر بازگرداندن مدیران و صاحبان صنایع با استفاده از «هفوعومی» دفاع کرد و اعلام نمود، «مشکلی برای بازگشت آندسته از مدیران و صاحبان صنایع، که بهر حال خاک وطن را تریک کرده اند، باقی نمانده است.»

مبشری در ادامه سخنان خود گفت: «حکومت اسلامی مخالف سرمایه‌داری سالم نیست و علاوه بر آن از سرمایه‌داران و مدیران سالم نیز حمایت می‌کند. بنا بر این، آنها که رفته‌اند باید برگردند و بدانند که جان و اموالشان در امان است.»

در اینکه سرمایه‌داری سالم، که در شرایط امروز ایران، بمعنای سرمایه‌داری ملی و غیر وابسته است، باید در دوران سازندگی انقلاب شرکت کند، تردیدی نیست. اما این بمعنای عفو دادن به همه صاحبان صنایع و مدیرانی نیست که از ایران گریخته‌اند. اینها اغلب سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم هستند، که در سالهای سلطه رژیم آریامهری بر ایران، مستقیماً در غارت‌خلفهای ایران و منافع ملی ما بسود خود و به سود امپریالیست‌ها نقش داشته‌اند و از طریق انواع زودبندها، صنعت و کشاورزی ایران را بسود غارتگران امپریالیست و بسود خود به بنا بودی کشتا نه‌اند. در واقع سرمایه‌داران وابسته در تمام جزییات رژیم پهلوی، شریک بوده‌اند. دادن عفو به این غارتگران و بازگرداندن آنها برای اداره صنایع، هیچ معنایی غیر از بازگرداندن سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم به ایران ندارد. چیزی که مطلقاً نمی‌تواند خواست مردمی باشد که برای پایان دادن به سلطه سرمایه‌داری وابسته، دهها هزار شهید داده‌اند.

تلاش برای برهم زدن وحدت‌سندیکائی، توطئه‌ای ضد کارگری است

دستاوردهای ارزنده طبقه کارگر در سالهای قبل از بهمن ۱۳۲۷، یعنی در دوران فعالیت علنی سندیکاهای کارگران، فقط در سایه وحدت‌سندیکائی کارگران میسر شد. در سایه این وحدت، طبقه کارگر توانست به کسب بخش مهمی از خواستهای سیاسی و اقتصادی خود نائل آید، و بیش از آن، خود را بعنوان یک طبقه به‌هیئت حاکم‌های که حتی از نام «کارگر» وحشت مرگ داشت، تحمیل کند.

وحدت‌سندیکائی طبقه کارگر بیم امپریالیسم و ارتجاع داخلی ایران را برانگیخت. همراه با سرکوب‌مبارزات کارگری، تلاشهای پی درپی برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران آغاز شد. امثال یوسف افتخاری بمیدان آمدند، سندیکاهای زردمانند «اسکی» و «الک» تشکیل شد، ولی نه سرکوبها و نه تفرقه افکنی‌ها به نتیجه مطلوب نرسید. طبقه کارگر آگاه و مبارز ایران دست رد بر سینه امپریالیسم و ارتجاع تفرقه‌افکن نهاد. اما امپریالیسم و ارتجاع از تلاشهای نکبت‌بار خود باز نایستادند و سرانجام با سلاح غیر قانونی کردن فعالیت سندیکاهای کارگری بمیدان آمدند، که خود صدمات جدی به رشد مبارزات سندیکائی وارد آورد.

اکنون پس از گذشت دهها سال، در نتیجه شکوفائی انقلاب ایران، این فرصت مغتنم برای طبقه کارگر پدید آمده است که با تحکیم صفوف خود، برای تحکیم انقلاب و تحقق خواستهای صنفی و سیاسی خویش مبارزه کند و از جمله سندیکاهای اصیل خود را بوجود آورد. درست در چنین لحظات حساسی است که میبایست دستهای تفرقه انداز بحرکت در آمده‌اند و میان کارگران بذر نفاق و جدائی میافشانند.

گروههای مائوئیستی، این خائنین به طبقه کارگر، که رسالت شوم خود را درجاسازی نیروها و کمک به امپریالیسم و ارتجاع میدانند، با شمارهای فریبنده و میان تهی بمیان کارگران میروند و با سوءاستفاده از مشکلات موجود سعی دارند در امر ایجاد سازمانهای صنفی طبقه کارگر اخلال کنند. آنها در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، بیشترین کوشش‌شان متوجه آنست که برزایش سندیکاهای کارگران اعمال نفوذ کنند، بین کارگران تفرقه بیندازند، سندیکاهای موجود را بهم بریزند و در کار فعالیت آنان، اخلال و اشکال‌تراشی کنند. آنها این قصد پلید را حتی در «خانه کارگر» هم، که متعلق به همه کارگران صرف نظر از وابستگی سیاسیشان است، حاکم کرده‌اند و میکوشند کارگران را از نظر سیاسی در برابر هم قرار دهند و بدینسان در امر وحدت‌سندیکائی مانع ایجاد کنند.

برخی دیگر از جریانهای فکری نیز، اینجا و آنجا، در جهت پراکندگی صفوف کارگران عمل میکنند، امری که مسلماً بزیان طبقه کارگر است. در انقلاب پیروزمنند ایران، کارگران صرف نظر از

تعلق عقیدتیشان، با شعار طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز، شرکت کردند و به بزرگترین دستاورد تاریخ مبارزات خود رسیدند، یعنی یک رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم را از تخت قدرت به زیر کشیدند.

اکنون نیز در دوران گذار و سازندگی، اتحاد طبقه کارگر و وحدت‌سندیکائی آن باید تأمین و چون مردمک چشم پاسداری شود، باین دلیل روشن که منافع طبقه کارگر، صرف نظر از وابستگی عناصر آن به این یا آن جریان سیاسی و مذهبی، یکی است. نباید هرگز از یاد برد که دوزخی‌ترین تاکتیک امپریالیسم برای تأمین منافع پلید خود در سراسر جهان، ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان ضد امپریالیست است، که جزئی از این تاکتیک، عبارتست از ویران کردن وحدت‌سندیکائی کارگران، ایجاد جریانهای مختلف کارگری و روبروی هم قرار دادن آنها، که هم‌اکنون بطور عمده بدست مائوئیستها در دست اجراست.

کارگران باید با اتحاد، تشکل و آگاهی علیه تفرقه افکنی خطرناک عناصر ضد انقلابی مبارزه کنند، آنانرا از صفوف خود برانند، با هشدار کامل متوجه شیوه‌های تحریک و تفرقه امپریالیسم و عوامل داخلی آن باشند و شعار وحدت‌سندیکائی را چون مردمک چشم گرامی دارند.

گام بگام، ولی مطمئن

اندیشه‌های راستین انقلابی پیش می‌رود

فعالیت ثمر بخش جوانان هوادار حزب توده ایران در آذربایجان، هر روز گروههای بیشتری از جوانان صدیق انقلابی و نیروهای بواقع چپ را که فریب چپ‌نمائی و چپ روی رانمی‌خورند جلب می‌کند. هر هفته فروش روزنامه‌های «مردم» و «آذربایجان» در شهرها و دهات فزونی مییابد. فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب توده ایران، بخاطر خدمات گذشته و سنتهای انقلابی خویش، در میان مردم زحمتکش، بویژه در روستاها، از محبوبیت ویژه‌ای برخوردارست. در یکی از دهات، که پنجاه شماره «مردم» برای فروش برده شده بود، ۴۵ نفر خریدار کارت عضویت قدیمی خود را در فرقه، که پیش از سی سال حفظ کرده بودند، نشان میدادند.

خبر دیگر اینکه، در یکی از کلاسهای که عده‌ای از دانشجویان باگرایشهای افسراطی، ترتیب داده بودند، برای آنکه رنگ کارگری به محفل بنهند، تکی چند از کارگران را نیز دعوت کرده بودند. ولی بموضع درس و روشنگری، گردانندگان محفل، تحت تأثیر اعمال فشار مائوئیستی، کار را به دشنام و توهین نسبت به حزب توده ایران می‌کشاند. در این هنگام کارگری، که تحمل شنیدن اتهامات دروغین را نداشت، برخاسته می‌گوید: «آمده بودم که چیزی یاد بگیرم، نه اینکه به حزبی که سی سال است به آن علاقمند هستم بگوئید خائن است.» کارگرا روزنامه‌های حزبی و همچنین «آذرخش» را بسرعت می‌خرند و برای هم میخوانند.

اصل، داشتن یک قانون اساسی مترقی است نه شکل تصویب آن

و مخالف خوانیها بنام دفاع از «اصل مجلس موسسان» که همه‌کس میدانند و میبینند در حال حاضر بمعنای مخالفت با تسریع در تدوین قانون اساسی و تعیین تکلیف کشور است، کار درست و انقلابی و آزادیخواهانه است؟ آیا آزادی را استحکام نهادهای قانونی جمهوری و ایجاد زمینه‌های کار سازندگی در جهت استقلال و دمکراسی و بهبودی مردم تأمین میکند، یا تعویق مسئله و تعلیق آن به نامعلوم؟

بنظر ما، نتیجه این تعویق، بازماندن صحنه برای خطرناکترین عناصر ضد امپریالیستی است که چهار چشمی مترصدند از آرزوهای شریف و آزادیخواهانه و از نیات صادقانه دمکراتیک سوء استفاده کنند. نباید بنام آزادی بر آزادی ضربه زد و بدشمنان آزادی امکان مانور و فعالیت داد. باید ماهم چهار چشم دیدار باشیم و ببینیم در وراء هر شعار و ظاهری، چه هدف و باطنی نهفته است. همه دمکراتهای واقعی باید صف‌آرایی شدید و حاد ضد انقلاب را در همه طیف وسیع آن ببینند و چشم خود را بر منافع عالی انقلاب و توطئه‌های گوناگون ضد انقلاب نه بندند.

ما پیشنهاد میکنیم که بجای سر و صدای پیرامون «خطر فاشیسم» و «استبداد نوین»، که پایه واقعی ندارد و پیش نویس منتشر شده هم بی‌بازیگری آنرا از نظر نحوه تنظیم قانون اساسی نشان داده‌است، همه کوشش خود را برای هرچه خلقی‌تر کردن و مترقی‌تر کردن این طرح و تکمیل و تصحیح آن بکار بریم و سعی خود را در جهت انطباق هر چه بیشتر آن با اهداف انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک و کوتاه کردن دوران گذار آمیخته با لانگلینی و موقتی بودن وی برنامه‌نگی و فرا آوردن زمان و حل قطعی تمام مشکلات واقعی اجتماع ما، که بسیار زیاد هم هست، متوجه سازیم.

استوار نشده، وارد آوردند. ما باید این واقعیت را که ضد انقلاب فعال و خطرناک است، ببینیم، و هدفمان این باشد که، فعالیت آنرا خنثی و آنرا خلع سلاح کنیم. تسریع در تدوین قانون اساسی سودر شرایط کنونی با تشکیل یک مجلس محدود که نامش مهم نیست، عملی و نتیجه‌گارش مهم است. و تصویب نهائی قانون با رفرااندوم در مدت کوتاه، راه رسیدن باین هدف است.

در این مورد نیز کسی نمیتواند بگوید که باز حزب توده ایران دنباله‌روی میکند. این که کدام مسئله اساسی است و چگونه باید عمده را، از غیر عمده تمیز داد و این خود قانون اساسی و محتوی آن است که عمده است و له شکل مجلس موسسان، از مدتها قبل توسط حزب ما بیان شده است و ما هنوز هم معتقدیم که در شرایط کنونی مجلسی لازم است که، صرف نظر از شکل و ناهشی، بتواند قانون اساسی مترقی و شایسته انقلاب را بنا دهد و ریشه‌های آنرا که ضد انقلاب در خارج و داخل کشور می‌داند، بوقوع و هرچه زودتر قطع کند.

وزیر مشاور در مورد طرحهای انقلاب تصریح کرده است که: «مجلسی انتصابی نیست و نمایندگانش با انتخابات عمومی تعیین میشوند. وزیر خارجه هم به تهران تأیید» گفته است: «که این یک انتخابات خواهد بود، یعنی یک مجلس موسسان انتخاب شده بوسیله عموم مردم.» و تصریح کرده است که: «بوسیله هیچکس منصوب نخواهد شد، بلکه بوسیله عموم مردم انتخاب میشود.»

آیا فقط عده اعضاء ومدت کار مجلس انتخابی پنهانی کافی است تا علم مخالفت با تسریع در تدوین قانون اساسی، که عمده‌ترین مسئله کنونی ماست، بلند شود؟ آیا براه انداختن تظاهرات و گرد هم آییها

بقیه از صفحه ۱
یک مجلس چهارصد پانصد نفری، با مدت کار دراز، ابتدا چنین سندی درلید و در طی این مدت بسیار حساس برای سر نوشت انقلاب ما، ضد انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع شکست خورده، وابستگان رژیم سابق و تمام وازندگان سیاسی و آنهایی که منافع غارتگرانه اقتصادی خود را در خطر میبینند، سوء استفاده کنند و بتوانند در فرصت کافی شبکه فعالیتهای خرابکارانه خود را سازمان دهند و ریشه‌های آفت و فساد را بهم متصل کنند، دسته‌های ملخ را گرد آورده بسوی محصول تازه‌رسی و نوجوان انقلاب ما کیش دهند و از آنهمه خونی که ریخت و مبارزه‌ایکه انجام شد، چیزی بجای نگذارند.

اینکه کدام یک از این «چه بسا» ها عملی شود، مربوط بپیمه ماست، مربوط بپیشیاری سیاسی ما و مبارزه بی‌امانی که جریان دارد. این ما هستیم که نباید اجازه دهیم، سوء استفاده از دفع‌الوقت‌ها، انقلابیمان را بر باد دهیم. این ما هستیم که باید ظرف مدت هرچه کوتاهتری دست ضد انقلاب را ببندیم.

البته ما با تشکیل یک مجلس موسسان وسیع و بزرگ، اگر شرایط عادی برایش فراهم میبوده، مخالفتی نداریم و «اصولاً» چنین مجلسی را رد نمیکنیم. منتها ما واقع بین هستیم. ما شرایط امروز کشور خود را میبینیم. ما میبینیم که چگونه امپریالیسم و دارو دست و وابسته باو و آنها که خواب «رژیم گذشته بدون شاه» را دیده‌اند، مترصدند، هرچه ممکنست کار تدوین و تصویب قانون اساسی را بتعویق اندازند تا فرصت پیدا کنند و ضربه کاری خود را به جمهوری ما، که هنوز قوام نیافته و نهادهای اجتماعی سیاسی خود را ایجاد نکرده و بر شالوده‌های قانونی دائمی و مستحکمی

اخبار کارگری

در کارخانه زیمنس

بر اثر درگیریهای لفظی میان کارگران و شورای سابق، سندیکای سابق منحل شده و سندیکای جدیدی تشکیل شده است. سندیکای جدید با رضایت کارگران تشکیل شده و خواستهای رفاهی از جمله، تمهین اضافه دستمزد و پرداخت حقوق عقب افتاده و تمهین گروهای شغلی کارگران را مطرح نموده و به کارفرما اعلام داشته که اگر جواب مثبت داده نشود به اقدامات قاطع تر دست خواهند زد. کارگران هم چنین توانسته‌اند یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت بنام «گریگوریانس» آمریکائی را وادار به استعفا کنند و شخص دیگری را بجای وی بکارمند.

کارگران حقوق خود را میخواهند

کارگران شرکت ویلیام برادرز، از روز یازدهم خرداد دست به تصمصن زده‌اند شرکت «ویلیام برادرز» یک شرکت امریکائی است که بکار لوله کشی نفت برای شرکت ملی نفت اشتغال داشت و با شروع انقلاب، دمت به اخراج کارگران زد. در میان کارگران افرادی با مشاغل نجار، لوله‌کش، جوشکار و راننده دیده می‌شوند که از شهرهای اهواز، آغاچاری رشت، کرسج، رودبار و سایر شهرها آمده‌اند، تعداد کارگران این شرکت بیش از ۲۰۰۰ نفر است که قریب ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفرشان متحصن شده‌اند. کارگران می‌گویند وقتی برای گرفتن حقوق خود به شرکت مراجعه کردند، مدیران شرکت همه فراری بوده‌اند. کارفرمای شرکت حق بیمه‌ای را که از کارگران کسر کرده، به بیمه پرداخت نکرده و حقوق آنها را در لیست‌های بیمه کمتر از حقوق عادی‌شان ثبت کرده و در پاسباع اعتراض کارگران گفته‌اند که ببخشید، اشتباه شده است!

شورای محلی سازمان آب منطقه‌ای

شورای محلی با توافق رئیس امور کارخانه، با مدیریت عامل سازمان آب منطقه‌ای تهران درباره کسر شدن ساعات اضافه کاری کارکنان کارخانه شیمیائی، که بعنوان ترمیم حقوق پرداخت میشود، صحبت کردند و قرارداد سه‌ماهه ۶۰ ساعت به کارکنان، ام از کارگر و کارمند، پرداخت شود و رقم آن بیش از ۱۰۰۰۰ ریال در ماه نباشد. ضمناً عده‌ای از کارگران شفاها از شورای مرکزی سازمان آب منطقه‌ای خواسته‌اند که مقدمات مجمع عمومی سندیکای کارگران سازمان آب را جهت تعیین هیئت مدیره جدید ترتیب دهند، که هنوز عملی نشده است.

ناراضی تراشی، خطری است برای انقلاب!

ایجاد فلج و هرج و مرج اقتصادی و تشدید دشواریهای مختلف زندگی روزمره کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر قشرهای زحمتکش جامعه - مهمترین وسیله در دست ضدانقلاب علیه انقلاب.

ماتوجه شورای انقلاب و شخصی امام را به بررسی این خطر جلب می کنیم!

حزب توده ایران در نامه سرگشاده کمیته مرکزی خود، که در تاریخ ۱۴ خرداد ماه ۱۳۵۸ نشر یافت و روزنامه «مردم»، ارگان حزب، در سرمقاله همانروز تحت عنوان «پایه های اقتصاد شکوفان و مستقل را باید در همین دوران گذار استوار کرد.» مطالب گفتمانی فراوانی را درباره ضرورت پرداختن فوری به وضع اقتصادی کشور یادآور گردیدند.

از آن تاریخ تا امروز در کنار ملی شدن بانکها (که با توضیحات و تفسیرهایی که از طرف برخی سخنگویان دولت می شود و نیز با توجه به بعضی مختصات منفی دستگاههای اجرائی، ممکنست نشود از این تصمیم درست، حداکثر استفاده را بسود سالمسازی اقتصاد کشور کرد)، ما با اقدامات قاطعی روبرو نیستیم.

گرانی خوار و بار و دیگر مواد مصرفی و مورد نیاز جامعه کماکان ادامه دارد، در حالیکه به بهانه های مختلف، بجا و نایجا، از درآمد زحمتکشان یدی و فکری شهر و ده کاسته میشود.

درآمد کمتر، مخارج بیشتر! چه چیزی برای ناخرسندی عمومی زحمتکشان از این خطرناکتر؟! ما بخوبی میدانیم که دولت کنونی وارث دشواریهای عظیمی است که بازمانده رژیم خائن گذشته است. ما بخوبی میدانیم که مسائل بفرنج اقتصادی و سیاسی را نمی توان در عرض مدتی کوتاه حل کرد. ما بخوبی میدانیم که سرمایه داری جهانی و داخلی (که از مسیر اعتلای آنی انقلاب ایران نگران است) دست به انواع اخلالها می زند و موسسات و شرکتها بحالت

تعمیل و نیمه تعمیل در می آورد، کارگران و کارمندان را به بهانه های مختلف اخراج میکند، قراردادهای خود را نادولت و موسسات بلاجرا و بانواع بهانه ها معطل می گذارد و غیره. ما میدانیم که ضد انقلاب در انواع جامعه ها، در کمیته ها، در شوراهای کارگران، در احزاب و گروهها رخنه می کند و سعی دارد نام انقلاب و جسورگی اسلامی را لکه دار کند و مردم را از آن برهاند و برای محکوم کردن انقلاب بهانه بدست دهد.

اینها همه بر ما روشن است. ولی این نیز روشن است که عمل ضد انقلاب بشکل موثری موجب تشدید ناخرسندی است. به اخبار جراید نگاه کنید: اعتصابها، تحصن ها، تجمع کارگران و دهقانان و زنان در مقابل موسسات دولتی یا مراجه شکایت آمیز آنها به کمیته ها و به دفتر امام، اینروزها جزو امور عادی است. حمله چاقوآوران مالکان به دهقانان، یورش به کتابفروشی ها و دفاتر احزاب، مداخله برخی ماموران کمیته ها در اموری که هدف آن تنها میتواند رنجاندن و عصبانی کردن مردم باشد، تکرار میشود. در میان مردم این واقعات، همراه با شایعات و تحریفات بسیار، ذهن به ذهن می گردد و فضا را دمدم مسموم تر می کند.

ما اطمینان داریم که این اموری خلاف منویات امام خمینی است که به تداوم انقلاب و تعمیق آن و پیروزی آن بمشابه رهبر قاطع این انقلاب علاقه بی پایان دارد. ما باور داریم که هواداران راستین مشی امام، اعم از روحانی و غیر روحانی، نیز مانند خود او بدین جریان با نگرانی نگاه می کنند. ولی صحبت بر سر آن است که کمی و چگونگی از این روند وسیع و همه جانبه ناراضی تراشی جلوگیری خواهد شد.

بنظر ما علاوه بر سرمایه داری بین المللی و سرمایه داری بزرگ وابسته ایران (که آرزومند بازگشت به «روزهای خوشی» گذشته است)، علاوه بر ضد انقلاب شاه پرست، مرکب از عناصر ساواک و برخی افسران ارتش، متاسفانه در خود دستگاه دولتی نیز سبوا یا عمدا روشهایی دنبال میشود که آب در آسیاب ضد انقلاب میریزد، تصمیماتی اتخاذ میگردد که تنها میتواند برخیل ناخرسندان بیافزاید. چرا؟ مگر این دستگاهها به سرنواشت انقلاب لایقند و نمیدانند که ضد انقلاب در صورت پیروزی به احدی رحم نخواهد کرد؟ تجربه انقلاب شیلی نشان داده است که ایجاد ناخرسندی اقتصادی یکی از مهمترین اهرمهای ضد انقلاب است. نمایش «کدبانوها با دیک خالی» یکی از شگردهای کلاسیک ضد انقلابی است، که بدنبال خود فاجعه خونینی را همراه داشت.

ما بتوبه خود به رهبری انقلاب توجه می دهیم که این پدیده هارا مورد بررسی قرار دهد. ممکن است کسانی باشند که خطرا کوچک کنند و یا با تعدد در گمراه سازی، وضع را عادی جلوه گر سازند. چنین کسانی اگر نادان نباشند، البته مفرضند. گسترش ناخرسندی در میان زحمتکشان، بویژه در نتیجه افت درآمدها و بالارفتن قیمتها و عوامل متعدد دیگر، یک پدیده عینی است و نمیتوان و نباید آنرا ندید و انکار کرد. سیاست ناراضی تراشی وجود دارد و نمیتوان و نباید آنرا ندید و انکار کرد.

جامعه ایران عطفشان آنست بداند که انقلاب کی راه خود را با عزم جزم در زمینه سیاست و اقتصاد دنبال می کند؟ کی ارکانهای لازم و موثر اصلاح وضع معیشت عمومی را به وجود می آورد؟ کی ثمرات انقلاب را در زندگی روزمره نشان میدهد یا لاقل در این زمینه ها چه نقشه ای دارد؟ کی به سیاست ناراضی تراشی خاتمه خواهد داد؟ البته انقلاب به ناچار ناراضی تراشی بوجود می آورد، ولی اینجا صحبت بر سر زنان و مردان زحمتکش یدی و فکری است، نه قشرهای ممتاز.

طرح این مسائل و دادن زنجارهای به موقع را ما وظیفه مقدس انقلابی خود می شمیریم و با دغدغه، نگران تصمیمات قاطع، شورای انقلاب و دولتییم.

اهمیت تاریخی دستاوردهای انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۱
عدهای دیگر نیز. تقریباً همین برخوردها و شیوهها، منتها از دیدگاهی دیگر، به نتیجه گیریها و ارزیابیهای کاملاً مخالف میرسند و مدعی می شوند که با اقدامات و تدابیری که تاکنون انجام گرفته، کار انقلاب پایان یافته و هدفها بدست آمده است.

گروه اول، یاچپهای افراطی با منفی بافی در باره انقلاب و سپاه کردن دستاوردهای آن، و دوزیان به انقلاب، آنهم در این مرحله بسیار حساس، می رساند، عدهای را به نومییدی و سرخوردگی از انقلاب می کشانند و عدهای دیگر را با تبلیغ درباره انقلاب در انقلاب، و حتی قیام مسلحانه تازه برای رسیدن به سوسیالیسم، به راههای ماساچرا جویانه سوق میدهند.

گروه دوم، یا لیبرال های سازشکار، باغلودر باره دستاوردهای انقلاب - که در واقع ترس از دستاوردهای واقعی انقلاب و دورنمای تکامل آنست - فرمان آتش بس صادر می کنند و میکوشند مانع گسترش و زرفنی انقلاب گردند.

و شکفت آنکه، این دو گروه، که یکی از «چپ» به انقلاب میتازد و دیگری از راست بر آن لگام میزند، در کینه و ستیز نیست به انقلابی های صادق و رهبری انقلاب چنان در هم می آمیزند که گویی دور و حنند اندر یک بدن ۱ ناسازی آنان در ارزیابی انقلاب و طرح شعارهای استراتژیک، مانع همسازیشان در حمله به نیروهای راستین انقلاب و بالآخر از آن همگامیشان در میدان تظاهرات و میتینگها نمیکردد و افوس (۱) بیهوده نیست که ضد انقلاب بر هر دو نظر دارد.

ولی این نظر یکسان نیست. ضد انقلاب چپ افراطی را برای آن می خواهد که از آن بمشابه

نردبانی موقت برای بالا کشیدن و بکری حاکمیت نشان دادن راست سازشکار استفاده کند و پس از بهره گیری همچون ابزاری زائده بدور افکند. راستی، چه الفت و پیوند صادقانه ای میان سازشکاری لیبرال های راست روئی که میخواهند انقلاب را در نیمه راه پیروزی ترک گویند و انقلابی گرایان چپ روی که میخواهند انقلاب را هم اکنون تا مرزهای سوسیالیسم بسانانند، میتواند وجود داشته باشد؟

انقلاب بزرگ ما دستاوردها و پیروزیهایست شگرف، که انکارش در حکم کفر است و نادیده گرفتنش بمشابه ریشخند به شهیدان و سخره و مبارزان، این پیروزیها و دستاوردها کدامند؟

در جبهه مبارزه با استبداد: بر افتادن رژیم خودکامه سلطنتی و برپائی جمهوری اسلامی، تلاشی شبکه جهنمی ساواک، فریاد سازمانهای زورگویی و اختناق شهربانی و ژاندارمری، از هم پاشیدگی دستگاه ضد مردمی ارتش، کفر خائنان و جنا پتکاران و غارتگران، احیاء سازمانها و احزاب و اتحادیه ها و جمعیت های دموکراتیک، استقرار آزادی مطبوعات و اجتماعات و...

ستمدیدم فلسطین و قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن و... اینها دستاوردهای چشمگیری هستند که شاید خوش بین ترین مبارزان نیز نمیتوانستند یک سال پیش در آرزو و انتظار آن باشند. چشمها را در برابر این پیروزی های مسلم و دستاوردهای واقعی فرو بستن و گوشها را برای شنیدن طنین خیالی گامهای نادیده فاشیسم احتمالی چهارطاق کشودن کاری است لاقل دور از انصاف.

در اینکه در کارها ناراضی، ندانم کاری، یکسوئی، ناپیکری، تضاد و... وجود دارد، تردید نیست. هنوز پایهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع ریشه کن نشده است، قوانین آزادی بخش و ضد مردمی رسماً باطل

نشده اند، حقوق و آزادی های دموکراتیک در همه عرصه ها و همه سطوح تأمین نشده و یا قوام نیافته اند، در بسیاری از نهادهای رژیم گذشته تحول بنیادی و پاک سازی بنحو لازم و انقلابی انجام نگرفته است، اقتصاد کشور دستخوش آشفتنکی و نابسامانی است، بسیاری از قراردادهای اسارت آور و زیانبخش با کشور های امپریالیستی، بخصوص با امریکا، هنوز لغو نشده اند، مناسبات سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و مالی با کشورهای خارجی هنوز در انتظار تحول بنیادی خود هستند، کمبود و تزلزل و پیشداری و کج اندیشی در این زمینه ها هنوز کم نیست و... ضد انقلاب از همه این

استفاده از جلا د ساواک...

بقیه از صفحه ۱
ناگهان بفکر «بکری» دست یافته اند، استفاده تبلیغاتی از جلا د ساواک علیه حزب توده ایران. واقعیت اینست که آنچه تهرانی درباره نفوذ ساواک در «تشکیلات تهران» حزب توده ایران گفته است، به واقعیت بسیار نزدیک است. در سال ۴۶، عباسعلی شهرباری، مأمور هزار چهره ساواک، که بعدها اعدام انقلابی شد، توانست در تشکیلات تهران حزب مارخنده کند. نفوذ این عنصر مزدور ساواک باعث دستگیری گروهی از رفقای ما شد که به شهادت عده ای از آنها، از جمله رفقا حکمت جو، رزمی و معصوم زاده انجامید. حزب توده ایران، خود پیش از همه باین نفوذ ساواک پی برد و آنرا افشاء کرد. و حالا بعد از نزدیک به ۱۰ سال، وقتی جلا د ساواک همان حرفها را در دهانگاه تکرار میکند، و در حالیکه در همین دادگاه، از نفوذ ساواک در سازمانهای دیگر سخن رفته، در حالیکه از خیانت مائوئیستها و همکاری آنها با ساواک پرده برداشته شده، محافلی، دانسته و ندانسته، فقط از سخنانی که این جلا د ساواک درباره حزب توده ایران زده، بهره برداری تبلیغاتی میکنند، رادیو و تلویزیون، که هرگز نام حزب توده ایران را نمی بردند، ساعتها دراز بیانات جلا د ساواک را درباره حزب توده ایران پخش میکنند،

والبته باین ترقیب، سرانجام توطئه سکوت رادیو و تلویزیون در مورد حزب توده ایران می شکند! روزنامه اطلاعات هم در شماره شنبه ۲۶ خرداد خود، از قول تهرانی با بزرگترین حروف تیت می زند، «حزب توده ایران را ساواک رهبری می کرد». انتخاب چنین تهرانی، از آنجا که در متن اعترافات تهرانی در روزنامه اطلاعات و روزنامه های دیگر، نه کلمه «رهبری» وجود داشت و نه حتی مفهومی نزدیک به آن دیده میشد، اگر نشانه حضور محافل خاصی نباشد، خبر از انتخاب تهرانی چینیایی برای جلب خواننده میدهد. بهر حال انتخاب چنین تهرانی، در شرایط حساس ایران، که گروهها نسی به اشکال و در لباسهای گوناگون سرگرم تفتین و تبلیغ زهر آکهن علیه حزب توده ایران هستند، از آنجا که به مشوب ساختن ذهن خوانندگان کمک می کند، نمی تواند در شان مطبوعات، در ایران انقلابی امروز باشد، چنین برخورد غیر مسئولی با سازمانهای انقلابی، نشانه فراموش کردن مسئولیت اجتماعی و تسلیم شدن به شکردهای روزنامه نگاری جنجالساز است و به مغرضان و دشمنان اجازه میدهد، از آن برای تبلیغات علیه حزب توده ایران بهره برداری کنند. در پایان باید گفت حزب توده ایران، بشهادت تاریخ بر افتخار و بر فراز و نشیب خود، هم در مقابل ترور پلیسی از پای در نیامده است و هم در برابر تبلیغات زهر آکهن زانو خم نکرده است. خوبست این واقعیت را همه کسانی که آزموده ها را دوباره می آزمایند، همواره بخاطر داشته باشند.

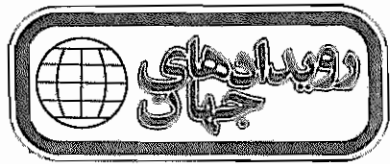
امضای پیمان ...
بقیه از صفحه ۱
رقابتیهای تسلیحاتی فراهم خواهد آورد. خبرگزاری تاس همچنین تأکید ورزید که «اکنون مسأله مهم این است که راه حلی برای مسائل مهم دیگر، مانند متوقف ساختن تولید سلاحهای هسته ای، تقلیل تدریجی زرادخانه اتمی و کاهش نیروها و انواع سلاحها در اروپا پیدا شود، تاس مؤکداً اعلام کرد که «اتحاد شوروی که به اصول سیاست صلح و همزیستی معتقد و وفادار است از بنبل کوشش و اقدام سریع در این طریق پشتیبانی نمی کند.»

خبرگزاری شوروی ضمن تصریح این مطلب که امضای پیمان سالت ۲ یک رویداد مهم بین المللی است به مخالفان آن در آمریکا، که نمایندگان صنایع نظامی غرب هستند، شدیداً حمله کرد. این سخن مفسر خبرگزاری تاس متضمن توضیح سخنان لئونید ایلیچ برژنف در ضیافت شام کاتر در سفارت امریکا است. برژنف در این ضیافت از سیاست صلحجویانه اتحاد شوروی در برابر اتهامات مخالفان تفاهم متقابل اتحاد شوروی و امریکا، که مدام افسانه موهوم و مجعول «تهدید شوروی» را بتوان مستمسک مخالف خوانیهای خود تکرار می کنند، دفاع کرد.

منابع امریکایی نیز اعلام کردند، «لئونید برژنف که در پایان مشارکت مؤثر وجودی خود در گفت و گوهایی وین این مطالب را بیان کرد، درباره جنبه خلاق دیدارها و مذاکرات خود با کاتر، که در محیطی سرشار از روح احترام متقابل انجام گرفت، تأکید ورزید و تصریح کرد که می توان به نتایج حاصل نمربخش کار کنفرانس سالت ۲ در وین، کسه هشتمین دیدار در رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکا از پایان جنگ دوم جهانی است. بطور ملخص عبارت از تعیین حدود دومی و کیفی تولید سلاحهای استراتژیک است، بدین معنی که پیمان سالت ۲ برای تعداد و نوع موشکها و بمبافکنهای دور پرواز دو کشور محدودی تعیین کرد، که تا سال ۱۹۸۵ اعتبار خواهد داشت. سیاست لینی اتحاد شوروی در زمینه کوشش پیگیر برای حفظ صلح و امنیت بین المللی در راه برقراری روابط مسالمت آمیز میان کشورهای واجد نظامات اجتماعی متفاوت جهان، در این اقدام اتحاد شوروی کاملاً متمسک است. انعقاد در پیمان سالت ۱ و سالت ۲ و اقدامات دیگر اتحاد شوروی در زمینه استقرار صلح و تفاهم بین المللی، کسه تشکیل کنفرانس همبستگی - به ابتکار اتحاد شوروی - یکی از نمونه های بارز آنست، تیلوری است انکار ناپذیر از همین سیاست لینی، که تاکنون ضامن قطعی حفظ صلح در جهان و عامل بازدارنده ایجاد مناقشات جهانشمول بوده است و از این پس نیز خواهد بود.

انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران که خودگام بزرگی در راه حفظ صلح در منطقه و در جهان است، از هر گامی در راه صلح سود میبرد. از همینجاست که مردم ایران از توافق بر سر «سالت ۲» بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا که امید است گامهای دیگری را در راه تحدید مسابقه تسلیحاتی، کاهش نیروهای مسلح، خلع سلاح عسومی در نتیجه، حفظ و تحکیم صلح جهانی بهمراه داشته باشد، عمیقاً خرسندند. مردم ایران خرسندند که چنین سیاست صلحجویانه ای بویژه از جانب همسایه بزرگ ایران، اتحاد شوروی انجام میگردد. زیرا این سیاست صلحجویانه، همانطور که بارها در گذشته بشبوت رسیده بسود مردم ایران، بسود تحکیم دوستی بین ایران و اتحاد شوروی است.

چه کسانی علیه افغانستان ترقیخواه توپنه و تحریک می کنند؟



سالت ۲ گامی دیگر در راه صلح، تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز

نخستین اجلاس رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکادر ساعت ۱۴ وی دقیقه روز شنبه در سفارت امریکا دروین تشکیل شد. جیمی کارتر که در ساعت ۱۴ و پانزده دقیقه به وقت تهران بدین مکان وارد شده بود در آستانه سفارت از لوفویدایلیچ به تف استقبال کرد.

کلتر نخستین اجلاس کارکنفرانس سالت ۲ را که عصر روز شنبه تشکیل یافت، «اجلاسی خوب» توصیف کرد. در مدت هشتاد دقیقه ای که به نخستین مذاکره طرفین اختصاص یافت، مروری وسیع در اوضاع جهان بعمل آمد.

مسابقه دست نشاندهی با سلطان قابوس

روزنامه واشنگتن پست در مقاله ای زیر عنوان «یمن شمالی مستشار نظامی امریکائی می خواهد» نوشت که سه ماه پس از تصویب اختصاص کمک نظامی امریکا به یمن شمالی، دولت صنعا از واشنگتن تقاضا می کند که مستشاران عالی رتبه نظامی برای تجدید سازمان نیروهای مسلح یمن شمالی به این کشور اعزام کند.

عبدالله الاسنج مشاور سیاسی عالی رتبه رئیس جمهوری یمن شمالی در رقابت با سلطان قابوس این نقش خیا نکارانه را تکرار می کند که از واشنگتن خواستار اعزام نیروی نظامی به منطقه می شود. اسنج از امریکا خواست که خود را از «عقد و پیمان» رها سازد و به دفاع از ارزشهای سیاسی ویژه، در ناحیه برخیزد.

اسنج که تا چندین پیش وزیر امور خارجه یمن شمالی بود، کارتر را به علت کمک تسلیحاتی ۳۹۰ میلیون دلاری وی به این کشور در حین جنگ با جمهوری دموکراتیک خلق یمن ستود.

توسعه طلبی و قیاحه و آشکار اسرائیل

خبرگزاری فرانسه از بیت المقدس گزارش داد که «کمسیون اسکان سازمان صهیونیستی جهانی و آزانی یهود» روز جمعه در بیت المقدس تصمیم گرفت که کار ایجاد آبادی یهودی نشین دیگری را روز یکشنبه آغاز کند. ایجاد این ناحیه یهودی نشین مکمل اقدام چندماه پیش اسرائیل در زمینة احداث یک مرکز یهودی نشین در سه کیلومتری غرب نابلس، در جاده تولکر است.

خبرگزاری یونایتد پرس نیز اعلام کرد که بنا به گزارش روزنامه های اسرائیلی، دولت بکین قصد دارد شهرک یهودی نشین دیگری در کرانه غربی رود اردن ایجاد کند و فعالیت ساختمانی آن نیز بزودی شروع خواهد شد. این شهرک میان شهرهای عرب نشین تولکر و نابلس احداث می شود.

مناخیم بکین نیز آشکارا اعلام کرد که شهرک های یهودی نشین را در ساحل غربی نوار غزه و ارتفاعات جولان گسترش خواهد داد.

چین، آتش بیار معرکه خاور میانه

روزنامه کراسنا یازو زدا، ارگان ارتش شوروی نوشت که چین دست اندرکار کمک به نقشه ها و توطئه های مشترک امریکایی-اسرائیلی-مصر در خاور میانه است.

ارگان وزارت دفاع شوروی تصریح کرد که چین همچنین دست اندرکار تحویل یک دسته هواپیمای جنگی به مصر است. این روزنامه سپس نوشت:

«واقعیات این را اثبات می کند که چین به سود مخالفان حقوق مشروع فلسطینیها و سایر ملت های عرب موضع می گیرد و با نیروهایی که مسأله صلح پایدار را در خاور میانه به بن بست می کشاند، در صفا واحد قرار می گیرد.»

از کمک های رفقا و دوستان سپاسگزاریم

سهیلا گم.م.ع.م. ۵۰۰۰	ریال آزاد-کارگاه دژ
الفد میران از ارومیه ۱۰۰۰	کرمانشاه ۵۰۰۰
راننده تاکسی ۵۰۰۰	دهقان-کارگاه دژ
غلامحسین ۱۰۰۰۰	کرمانشاه ۲۰۰۰
جواد هاشمی ۱۰۰۰	بیدار-کارگاه دژ
جعفر-کارگاه دژ ۵۰۰۰	کرمانشاه ۵۰۰۰
کرمانشاه ۱۳۰۰۰	صادق-کرمانشاه ۵۰

که، در نبرد بین دوسوی اصلی تضاد، در کدام سوی سنگر قرار میگیریم؟ حزب توده ایران همه نیروهای خلقی انقلابی و ضد امپریالیستی را بوجدت عمل برای حل تضاد اصلی، برای وارد آوردن ضربه قطعی بدشمن امپریالیستی و عمالتش و کارگزاران اقتصادی و سیاسی اش و گشودن افق وسیع تکامل میهن ما بسوی پیشرفت

خبرگزاری تاس از کابل گزارش داد که حفیظاله امین نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در دیداری با روسای قیابیل این کشور گفت، «انقلاب آوریل گذشته افغانستان بدون مساعدت خارجی به پیروزی نائل آمده». وی سپس تأکید ورزید، «ما به کسی اجازه نخواهیم داد که با دستاویزهای مذهبی، در میان طبقه کارگر افغانستان ناآرامی پدید آورد».

نخست وزیر افغانستان تصریح کرد: «فئودالیسم و بهره کشی در افغانستان ملتی گشته است و ما اجازه نخواهیم داد که دوباره به کشور ما بازگردد».

حفیظاله امین متذکر شد که مردم افغانستان قاطعانه هر گونه اقدامی را که علیه استقلال این کشور بعمل آید، خنثی خواهند کرد. وی سپس به محافل ارتجاعی پاکستان حمله کرد و گفت، «در برابر کوششهای نظام نوین افغانستان در راه استقرار صلح در منطقه، حملات مسلحانه از داخل پاکستان علیه افغانستان دوام دارد».

به گزارش خبرگزاری تاس، رهبر حزب سوسیالیست پاکستان نیز حملات محافل راستگرای این کشور را علیه افغانستان بشدت مورد انتقاد قرار داد. وی در ضمن مصاحبه ای در لاهور اعلام کرد، «در سانه های گروهی پاکستان و بعضی از روزنامه های این کشور در بر نامه ها و مقالات خود مطالب خصمانه ای علیه افغانستان انتشار میدهند و در امور داخلی این کشور مداخله میکنند».

مسئول مهاجرت چینها از جمهوری سوسیالیستی ویتنام کیست؟

مسأله آوارگان ویتنامی و مهاجرت آنها که تئور رسانه های های گروهی غرب و مخالفان دنیای سوسیالیسم را داغ کرده است، مدتی است که موضوع بحث و بررسیهای مغرضانه قرار میگیرد. سخنگوی وزارت امور خارجه ویتنام در این باره اعلام کرد که این ایالات متحده امریکاست که مسئول مهاجرت صدها هزار ویتنامی از این کشور است. و مسأله مهاجرت میراث اجتناب ناپذیر تهاجم امریکا بخاک ویتنام و حمایت کاخ سفید از رژیم دست نشانده سابق خود در ویتنام جنوبی است. سخنگوی ویتنام سپس درباره نقش خائنانه رهبران ماوتوئیست یک در این زمینه تأکید ورزید و گفت: «فما لپتهای شرارت آمیز و توسعه طلبانه یکن عامل مؤثر دیگر در مهاجرت یا نصد هزار ویتنامی چینی الاصل است و امپریالیستهای امریکائیکلیس نیز در این زمینه بارزیم یکن پندو بست کرده اند».

دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام، همچنین اعلام کرد که رژیم یکن سرباز، جاسوس و هواپیما به خاک ویتنام اعزام میکند. رادیوی ویتنام ضمن اشاره به گفت و گوی این کشور با چین تصریح کرد که سردمداران یکن هنوز به سیاست خصومت آمیز خود علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام ادامه میدهند و دست اندکار ایجاد تشنج در مرز دو کشور واخلال در روابط فیما بین هستند.

سوموزا در زیر ضربات ساندینیستها

رویتز از نیکاراگوئه گزارش داد که چریکهای جبهه آزادی بخش ساندینیست کنترل کامل شهر لئون را که دومین شهر بزرگ نیکاراگوئه است پس از چهار روز نبرد شدید بدست گرفتند بر اساس گزارشهای واصل، سربازخانه گارد باصلاح ملی سوموزا زیر ضربات ساندینیستها سقوط کرد.

وزیر خارجه نیکاراگوئه اعلام کرد که ساندینیستها قصد دارند منطقه ای آزاد در نزدیکی مرز کوستاریکا ایجاد کنند و دولتی انتقالی تشکیل دهند و سپس شناسایی رسمی دولت خود را خواستار شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در محافل دولتی نیکاراگوئه این نظر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که آناستازیس سوموزا، کشور را ترک کند تا رفیع بحران نیکاراگوئه امکان پذیر شود.

یک مقام عالی رتبه دولتی اعلام کرد که این فکر بیش از پیش قوت میگیرد. لکن در میان مقامات دولتی در این مورد اختلاف نظر هایی وجود دارد.

وزیر امور خارجه نیکاراگوئه اخیراً از سازمان کشورهای امریکایی تقاضا کرد که برای خاتمه دادن به بحران نیکاراگوئه وساطت کند. وی حتی اعلام کرد که آماده است بدین منظور به واشنگتن برود. اگر سازمان کشورهای امریکا به وساطت در این امر تن در دهد، نظر امریکا در مورد خروج سوموزا از نیکاراگوئه بعنوان نخستین شرط رفع بحران نیکاراگوئه تأمین خواهد شد.

از طرف دیگر جبهه ساندینیست ضمن صدور اعلامیه ای که رادیوی ساندینو آن را پخش کرد و صدای آن در کلمبیا شنیده شده گارد به اصطلاح ملی و همچنین سربازان نیکاراگوئه مهلت ۴۸ ساعته ای داد تا اسلحه خود را زمین گذارند و تا کید ورزید که در غیر این صورت مسئول عواقب وخیم امتناع از تسلیم خواهند بود.

دیگر بوده، نمیکاهد. در حال حاضر نتیجه عملی که ما در سیاست و امور تبلیغی و سازمانی خود از این تشخیص تضاد عمده و دشمن عمده میگیریم، همانا عبارتست از لزوم اتحاد عمل همه طبقات و قشرها و نیروهاییکه بواقع ضد امپریالیستی (یعنی در شرایط کنونی انقلابی و مترقی) هستند. مالاک انقلابی بودن و مترقی بودن یا ضد انقلابی بودن و مرتجع بودن در همین است

پرسشها و پاسخها

* درباره مقالاتیکه در روزنامه «مردم» نوشته شده و در رابطه با تحلیلهای حزب ما و اسد منتشره، دوستان متعددی پرسشهایی درباره «تضاد عمده» در جامعه کنونی ما مطرح کرده اند و همچنین بعضی از دوستان تاروشنیهایی در برخی مقالات یافته اند و فکر کرده اند که شاید تناقض گوییهایی شده و مثلاً سد اساسی پیشرفت جامعه را با تضاد اساسی معادل گرفته اند.

تضاد عمده آن تضاد درونی هر روند یا شیء یا پدیده ای است که رابطه بین جنبه ها و گرایشهای اساسی و قطعی و تعیین کننده آن شیء یا پدیده را بیان میکند. تا وقتی این تضاد حل نشده باشد، با وجود همه تحولات ممکنه. ماهیت تغییر نکرده و مسائل ناشی از آن بجای خود باقی است. حل تمام تضادهای دیگر آن روند یا پدیده مربوط و منوط است به حل همین تضاد عمده. یعنی تمام تضادهای فرعی و غیر عمده (که وجود دارند و عمل میکنند و هر یک بجای خود دارای اهمیت هستند) فقط باین یا آن جنبه باین یا آن گرایش مربوط میشوند و اگر هم حل شوند در سرشت تمامی شیء و پدیده و در کل آن تغییری نمیدهند، بلکه این یا آن جنبه را تغییر داده و تحول میبخشند. بهین جهت هم صحبت بر سر انکار «اهمیت» تضادهای فرعی و غیر عمده یا نادیده گرفتن آنها نیست. صحبت بر سر اینست که در هر پدیده و روندی باید تضاد عمده را، که سر نوشت تحول آنرا تعیین میکند و بدو جانب اساسی متضاد در آن پدیده و روند ارتباط دارد، پیدا کرد و آنرا مشخص نمود. این امر در مسائل اجتماعی اهمیت درجه اول عملی دارد و تنها یک بحث کتابی و روشنگرانه نیست.

اگر تضاد عمده را معین و در هر مرحله معین تکامل آن تعیین کنیم و آنرا از تضادهای غیر عمده (که آنها را هم تمیز میدهیم و در نظر میگیریم) جدا کنیم، آنوقت میتوانیم استراتژی و تاکتیک درستی داشته باشیم و لبه تیز مبارزه را بسوی دشمن اصلی متوجه کنیم و نیروی خلق را در سمت درست بسیج و تجهیز نماییم، دوست را از دشمن در هر لحظه مشخص و هر جای مشخص، به درستی تمیز دهیم و بنا بر این راه بسوی پیروزی نبرد را هموار کنیم. این تضاد عمده همجانب و شئون تکامل را تعیین میکند، یعنی تأثیر و عمل آنست که بقیه تضادها را زیر تأثیر خویش میگیرد و در چگونگی حل آنها نیز مؤثر واقع میشود.

وقتی ما میگوئیم تضاد عمده جامعه ما عبارت است از تضاد بین همه خلقهای میهن ما و امپریالیسم و عمالتش (انحصارهای بزرگ، سیاست نو، استعماری با تمام جنبه های اقتصادی و سیاسی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی آن، سرمایه داری بزرگ و وابسته با تمام شاخه ها و اجزایش که در رأس آن تا انقلاب، خانواده منفور پهلوی قرار داشت) یعنی اینکه در بین تمام سایر تضادهاییکه در لحظه معین در میهن ما غیر عمده هستند، مانند تضاد بین کار و سرمایه، با تمام اهمیت و تاربخسازای آینده اش، تضاد بین بخشهای مختلف بورژوازی، تضاد بین دهقانان زحمتکش و زمینداران غارتگر و غیره و غیره، آنچه را که تعیین کننده شیء عمومی و اساسی تکامل جامعه میدانیم و حل آنرا برای میهن خود در لحظه کنونی سرنوشت ساز میبشمریم، همانا تضاد بین خلق و امپریالیسم است. خلق با تمام اقشار و طبقاتیکه در لحظه معین کنونی در طرد

نواستعمار و قطع کلیه ایادی امپریالیسم ذینفع و البته دارای انواع و اقسام نظریات و روشها هستند، و در مقابل امپریالیسم یا تمام توطئه گراییها و اقدامات ضد انقلابی و کلیه اهرمهای اقتصادی و سیاسی و اداری دست نخورده اش و سرمایه داران بزرگ وابسته به شبکه فعال بقایای دارو دسته شاه مخلوع. آنچه باید حل شود تا جامعه ما در راه اساسی تکاملش بجلو رود این تضاد است؛ بقیه تضادها فعلاً در لحظه کنونی، فرع حل این تضاد هستند. اگر ما همه نیروهای ضد امپریالیستی را در یک صف بسیج کنیم و آنوقت تحول ماهوی و همه جانبه بوجود آورده ایم، سرشت جامعه را عمیقاً و ریشه ای تغییر داده ایم و راه را برای حل سایر تضادها نیز باز کرده ایم، (تضادهاییکه میتوانند در لحظه دیگری خود عمده شوند و گرایش اساسی تکامل جامعه را معین کنند). در اینصورت است که ما با تشخیص تضاد عمده، راه درست سیاسی و روش صحیح را در عمل انتخاب کرده ایم. اما اگر یکی از تضادهای غیر عمده فعلاً غیر عمده است و حل خود آن در گروی حل تضاد عمده است، مسأله مرکزی قرار دهیم و حل آنرا وظیفه اولیه و اساسی خود بشماریم، نیروها را متفرق کرده ایم. به دشمن واقعی امکان نفس راحت کشیدن و جمع قوا و ضربه زدن را داده ایم. در نتیجه اشتباه سیاسی کرده ایم. اهمیت تشخیص درست تضاد عمده در همین نتایج مستقیم سیاسی و عملی مبارزه است.

اگر دوستان ما سند تحلیلی حزب و نامه سرگشاده اخیر کمیته مرکزی را با دقت بخوانند و به مقالاتیکه «مردم» بنویسد، توجه لازم را بنمایند، با نظر حزب ما در اینکه تضاد عمده کدام است و چرا بین خلق و امپریالیسم است، پی خواهند برد و خواهند دانست که اگر امپریالیسم آن پایگاه و وسیله عمده و اساسی عملکرد خود را، که رژیم پلیسی خونخوار و چپاولگر شاه مخلوع بود از دست داده، چرا همچنان و هنوز هم دشمن عمده خلق ماست و چرا همه نیروها و آتش همه مبارزات باید بسوی او متوجه شود. در این رابطه روشن خواهد شد که از متحدین بالفعل و بالقوه، دشمن ساختن و مترسکی بنام «ارتجاع» و «فاشیسم» باتکیه بمسائلی که اکنون غیر عمده هستند، در دنیای غیر واقعی علم کردن، نتیجه ای جز این نخواهد داشت که نهال واقعی ضد خلق و ضد میهن و ضد زحمتکشان، یعنی اژدهای امپریالیسم در پرده و مصون از ضربه بماند و بین نیروهای بالفعل و بالقوه انقلابی تفرقه و نفاق افتد و سود را دشمن عمده برد.

اینرا هم در پاسخ بپرسشی دوستان اضافه کنیم که برداشته شدن سد اساسی زمان حکومت محمدرضا، یعنی رژیم پلیسی و غارتگر و فاسد او، بمعنای حل تضاد اساسی نیست. آن سد البته مانع تکامل جامعه بود و انقلاب بزرگ میهن ما این سد بزرگ را از بین برد. ولی دشمن عمده همچنان هست و بیدار و فعال و مکار است و بهمین دلیل حل انقلاب را باید نه تنها حفظ کرد و از دستبرد او نجات داد، بلکه به پیش برد و در جهت منافع واراده خلق زحمتکش، تمام اهرمهای امپریالیسم و دست نشاندهگان و وابستگانش را، که ارتجاع واقعی هستند و زاینده واقعی فاشیسم، خرد کرد.

* در پاسخ بیک پرسش کننده

دیپلماسی مخفی مغایر با خواست مردم و مصالح انقلاب است

شیوه ای که دولت در عرصه دیپلماسی اتخاذ کرده، برخلاف انتظار و توقع مردم است. این شیوه با ماهیت انقلاب ایران ناسازگار است. این شیوه پنهانکاری است. دیپلماسی مخفی، بطور عام در راه منافع خلق و مصالح کشور بکار نمی رود، و بطور خاص، در مرحله کنونی انقلاب ایران، زیان بخش است. وزارت خارجه دولت وقت یکرشته عملیات انجام داده و می دهد، با کشورهای مختلف تماس گرفته و میگیرد، راجع به مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، مالی و فرهنگی و غیره مذاکراتی انجام داده و میدهد، ولی مردم - این صاحبان واقعی کشور - کمترین اطلاعی از این عملیات، چگونگی انجام و حتی نتایج حاصل از آنها دریافت نمی دارند.

این دیپلماسی مخفی بعد شکست انگیزی مردم را نامحرم میداند. مثلا حتی متن قراردادهای اسارت بخش را که لغو شده، منتشر نکرده و مسرانه انتشار نمیدهد تا مردم از میزان خیانت های رژیم پهلوی آگاه گردند. مثلا قرارداد ستو لغو شده، ولی متن این قرارداد شوم و پر و تکلیف سوری پیوست آن، با اصرار و اجرامی که قابل توجیه نیست، پنهان نگاهداشته شده است. معلوم نیست چرا مردم ایران نباید بدانند که بر کشور و ارتش ایران، بعنوان عضو ستو، چه تعهداتی تحمیل شده بود. چرا مثلا سندی که حق بیماران اتمی (تهران) را به دولتهای امپریالیست هم پیمان ایران درستتو میداد، منتشر نشد و منتشر نمیشود، تا مردم مبتنی بر سند بدانند که، محمد رضا پهلوی، بعنوان مهره گوش بفرمان امپریالیسم درنده امریکا، بی کم و کاست حاضر تبدیل ایران به «زمین سوخته» بوده است.

انقلاب، انقلاب است. امپریالیستی که مردم ایران برای پیروزی آن متحمل مصائب بی شمار شده و بیدریغ خون داده اند، حکم میکند که تمام قرارداد هاییکه بادل امپریالیستی انقاد یافته و بدون استثناء بزبان منافع مردم و مصالح کشور بوده اند انتشار یابند، تا اولاً رژیم و واژگون شده ضد

ملی، چنانکه بسوده است، افشاء شود و ثانیاً برای لغو تمام قرارداد های اسارت بخش، که باقی مانده اند - نظیر قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا و قراردادهای پر شمار تعمیلی دیگر - پشتیبانی بتواند توده های میلیونی مردم جلب گردد.

دیپلماسی مخفی، در بین توده های خلق سوختن بر می انگیزد، بین مردم و دولت شکاف ایجاد میکند. و در نتیجه دولت را در پشت میز مذاکرات با دیگر دولتها، در موقعیت ضعیف قرار میدهد. امپریالیستی اسارتگر و سودجو بتواند، مانند گذشته، از مواضع تحمیل اراده خود با دولت ایران روبرو شوند.

دیپلماسی مخفی باعث میشود که انواع پرتشاهی بدون پاسخ در اذهان مردم مطرح گردد، از جمله اینکه، چرا دولت با جمهوری کوبا، که میزبان کنفرانس کشور های غیر متعهد نیز خواهد بود،

از اوج قله ها

بر صخره ها خروش پلنگان تیز چنگ
بر گرده ها کیبودی شلاق های باد...

چابگانه بتازم

به دره ها
در چشمه های ژرف بشویم ملال راه،
بگذار

پردهم

تن خونین وزنده را
تا از فراز للهی متروور بنگرم

صبح دهنده را!

برزین آذر مهر
مهرماه ۵۶

تحصن کارکنان گروه صنعتی و ساختمانی آکام ادامه دارد

در آن چنین نوشته شده بود: دما کارگران متحصن شرکت زمین تا وصول مطالبات خود، محل شرکت را ترک نخواهیم کرد. چهار ماه حقوق موقه، میدی و هفت ماه مزایا و خارج از مرکز، کارگران پنسج کارگاه در این تحصن شرکت دارند.

۸۳۰ نفر از کارکنان گروه صنایع فلزی و بتونی آکام متعلق به احمد لاجوردی سرمایه دار معروف که از مدتی پیش دست به تصن زده اند تا رسیدن به حقوق حق خود به تحصن ادامه خواهند داد. کارگران پلاکاری آویخته بودند که

مبارزه با گرانی، کاری است حیاتی

فقط با اقدامات اقتصادی پیگیر و بنیادی

میتوان با این هیولامبارزه کرد

اکنون میتوان سوال کرد، حالا که این رژیم بر اقتصاد و دولت موقت قراردادهای خرید سلاح های جنگی را لغو کرده، فروش نفت و منابع آبراب دست گرفته و اقدامات دیگری از این قبیل بعمل آورده، باز چرا تورم و گرانی نه تنها از میان نرفته، بلکه بر شدت آن افزوده شده است؟ این سوالی است بجا و در پاسخ آن باید گفت:

اولاً، پس از انقلاب نیز نظام سرمایه داری با تمام قانونمندیهای آن در ایران حکمفرماست؛ ثانیاً، هنوز دولت موقت موفق نشده است که به بی سامانیهای موجود در تولید و توزیع و امور مالی، که از رژیم سابق به ارث برده، پایان دهد؛ ثالثاً، رویدادهای دوران انقلاب و پس از آن، و بخصوص اخلال و خرابکاریهای امپریالیسم و ضد انقلاب، بر شدت این ناسامانیها افزوده است (نبره های چپ رو و چپ نمسا نیز با تحریکات و دسایس خود نقش کمی در این کار نداشته اند)؛ رابعاً، خود دولت موقت برای مبارزه با تورم و بی سامانیها تشدید کننده آن، نظیر بسیاری مسائل و مضامین دیگر، نه بر نامه مشخص داشته و نه پیگیری و قاطعیت لازم از خود نشان داده است.

حال به سوالی که در آغاز مطرح کردیم، باز گردیم، برای مبارزه با تورم و گرانی چه باید کرد؟

همانطور که گفتیم، تورم و گرانی از قانونمندیهای نظام سرمایه داری است و خصلت عینی دارد. لذا تا زمانی که این قانونمندی عینی عمل نمیکند، نه با تهدید و ارهاب و نه با بند و پیام، یعنی بکمک عوامل ذهنی، نمیتوان بجنگ این عامل عینی رفت. برانداختن نهائی تورم، بمثابه یک پدیده اجتماعی خاص جامعه سرمایه داری، فقط با برانداختن نظام سرمایه داری امکان پذیر است، چنانکه این کار در کشورهای سوسیالیستی انجام گرفته است.

و اما باز، چنانکه گفتیم، در جامعه سرمایه داری نیز میتوان با اتخاذ بعضی تدابیر اقتصادی و مالی از شدت تورم (نه بر وزن)

گرانی در کشور مضل بزرگی است که توده مردم را زیر فشار سخت قرار داده است. تورم، که گرانی یا محتاج عمومی از مظاهر آنست، پدیده ایست که پیش از همه توده زحمتکش از آن رنج میبرد. پایان دادن به تورم و گرانی وظیفه بسیار سنگین و دشواری است که اکنون انقلاب در برابر دولت قرارداده است.

برای مبارزه با این پدیده چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید دید که تورم و گرانی چیست و منشاء آن کدام است؟

تورم پدیده ایست که در نتیجه انباشته شدن مجاری گردش کالا از پول بمنزانی بیش از حد لازم برای مبادله کالا بوجود می آید. این فزونی باعث کاهش ارزش پول، با لارفتن بهای کالاها و در نتیجه پائین آمدن سطح زندگی زحمتکشانی میگردد، که درآمد ثابت دارند و یا کالاها را مصرفی بالا نمیرود (در اینجا سایر عوارض اقتصادی تورم مطرح نیست).

تورم پدیده ایست عینی و ناشی از قانونمندیهای نظام سرمایه داری، با نتیجه گرانی هم، که یکی از مظاهر تورم است، خصلت عینی دارد و نباید آنرا با پدیده گرانی فروشی، که اگر هم محرک آن تورم باشد، ولی بهر حال یک پدیده اخلاقی است، یکسان دانست.

با اینکه تورم پدیده ایست عینی، با اینهمه سیاست های اقتصادی و مالی دولت میتواند اثراتی در جهت تشدید و یا تخفیف آن داشته باشد، مثلاً این پدیده قانونمند در نتیجه سیاست های ضد مردمی رژیم شاه مخلوع، عوارض مهلک تری در اقتصاد کشور و اثرات فلاکت بار تری در زندگی زحمتکشان ایران داشت، که نتایج آن را اکنون نیز بچشم می بینیم.

سیاست های اقتصادی و مالی و اجتماعی رژیم، و بخصوص افزایش سرسام آور هزینه های نظامی و سایر هزینه های زیان بخش و غارت بی سابقه ثروت های ملی بوسیله انحصارگران خارجی و غارتگران داخلی در سالهای افزایش چشمی درآمد نفت، باعث بحران و دردم ریختگی در تولید و بازرگانی و امور مالی گردید و این امر بنوبه خود بر شدت تورم و گرانی مزمین در ایران افزود.

کالا محدود شود. با اینجهت برای دست یافتن به نتایج مطلوب باید اقدامات وسیعتری، که تمام اقتصاد کشور را در برگیرد، بعمل آید. این اقدامات، در خطوط کلی، چنین است:

کاستن از هزینه های زائد دولتی، خودداری از تنظیم و اجرای بودجه های نامتعادل، که خواه ناخواه کار را به نشر اسکتاس ویا وامگرمی میکشاند و استفاده حداکثری از امکانات مالی و مادی دولت برای کارهای تولیدی و عمرانی، بخصوص در رشته کشاورزی و دامپروری و امور زیربنایی در روستا؛

ملی کردن تمام اموال و مؤسسات اقتصادی و مالی متعلق به سرمایه داران وابسته و بکار انداختن این مؤسسات به نفع جامعه؛

کمک همه جانبه به کشاورزان نیازمند، آزاد کردن آنان از برداشت قسط و بهره،

کاست. در جوامع سرمایه داری کوشش میشود که تورم و گرانی بسود سرمایه داران و بزبان زحمتکشان مهار شود ویا در کشورهای امپریالیستی سعی بعمل می آید که این کار در همین حال بحساب کشورهای در حال رشد انجام گیرد. به همین جهت در جهان سرمایه داری میان سرمایه داران و زحمتکشان و همچنین میان انحصارها و کشورهای در حال رشد، در این نبردگاه مبارزه دائم وجود دارد.

با استفاده از اهرم های اقتصادی و مالی میتوان تورم و گرانی را مهار کرد و حتی با برخی اقدامات که جنبه بنیادی دارد و تا حدودی در نهادهای نظام سرمایه داری دست کاری میکند، میتوان از بروز و پایداری کم از عوارض مهلک آن جلوگیری بعمل آورد. مبارزه برای مهار کردن و یا محدود کردن تورم و گرانی، بملت بشری نیست و نمیتواند فقط به مرصه گردش

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان خواهان تثبیت بها و کاهش قیمتهاست

صاحبان صنایع به آن اشاره کرد و اعلام داشت که، اگر اجحاف ادامه یابد برای مبارزه با آن، آنچه را اسلام میگوید اعلام خواهد داشت.

ما ضمن تأکید و تأیید این توجه به موقع امام، از دولت میخواهیم که هر چه زودتر، با اعلام برنامه قاطع و درازمدت خود، برای تثبیت نرخها و کاهش قیمت اجناس ضروری و مورد نیاز توده مردم اقدام کند و به این ترتیب گامی در جهت رفاه و خواست زحمتکشان ایران بردارد.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان تحت عنوان «نرخها را باید هر چه زودتر کنترل کرد»، تراکتی بشرح زیر منتشر کرده است:

نرخها را باید هر چه زودتر کنترل کرد

بالارفتن نرخ اجناس مختلف بعد از پیروزی انقلاب، فشار هولناکی است بر زحمتکشان، که بخش بزرگی از آنها هنوز بیکارند و هیچگونه درآمد مستمر ندارند. و این از جمله مسائلی بود که امام خمینی در دیدار خود با تجار و

متحد کردن آنان در تمامی های واقعی و یاری به صنایع خصوصی ملی.

ملی کردن اراضی بایر، خانه سازی از طرف دولت و کمک به خانه سازی از طرف زحمتکشان.

کنترل شدید بازرگانی خارجی، بدست گرفتن انحصار بازرگانی خارجی مربوط به کالاهای مصرفی، خودداری از وارد کردن کالاهای لوکس و غیر ضروری؛

کنترل شدید بازرگانی داخلی از راه تضمین خرید مستقیم فرآورده های زراعی و دامی از طرف دولت، کوتاه کردن قطعی دست سلف خواران، دلالها، واسطه ها، رباخواران چه در روستاها و چه در شهر، ایجاد شبکه وسیع فروشگاههای دولتی و تعاونی، و اگناساری بخشی از کالاهای مصرفی وارداتی (که انحصار آن در دست دولت است) و فرآورده های کشاورزی و دامی به خرده فروشان، به بهای مناسب و تعیین قیمت ثابت، از راه تعیین نرخ سود ثابت و عادلانه و کوشش در متحد کردن آنان؛

ملی کردن بانکها، تهیه جدی در سیاست های مالی و پولی در جهت سوق اعتبارات بانکی به امور تولیدی و عمرانی، و اگناساری اعتبارات لازم با شرایط مناسب به کشاورزان و اقبا نیازمند؛

حذف و یا کاهش جدی عوارض گمرکی از کالاهای مصرف عمومی؛

این اقدامات، که بعضی اثرات آتی و برخی نتایج آتی و درازمدت دارند، علاوه بر اینکه میتوانند پیشرفت اقتصاد و افزایش میزان اشتغال و تحول در بازرگانی و امور مالی و پولی را تسامین کنند، شرایط عینی اقتصادی لازم برای مهار کردن تورم و گرانی بوجود آورند. فقط از این راه است که میتوان به مبارزه با تورم و گرانی خصلت قاطع و اثر بخش لازم داد.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن:
۹۳۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸